فصلنامه علمی دانشگاه الزهرا(س) زمینهٔ انتشار: هنر
سال ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، ۶۹-۵۹
http://jjhjor.alzahra.ac.ir

مطالعهٔ ویژگی‌های فرم و محتوای آثار سفالین هنرمندان کبرا[1]

مهرنوش شفیعی سرارودی[2]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

چکیده

در جنبش‌های آوانگاردی که هنر قرن بیستم قبل از سال‌های ۱۹۴۰ به خود دیده است، نقاشی، مجسمه‌سازی و شعر به‌طور صمیمانه‌ای با هم در ارتباط بوده‌اند. از طرفی هنرهای کاربردی نه‌فقط به‌عنوان بهترین محتوا برای صنعت، بلکه به‌صورت رسانه‌ای در دست هنرمندان، بوده است. بعد از جنگ جهانی دوم جنبش‌هایی شکل گرفتند که به‌طور مشخص مرکز توجه آنها آزادی بیان بود. جنبش کبرا یکی از جنبش‌های مهمی است که در همین زمان، یعنی زمانی که توقعات و اتفاقات فوق‌العاده‌ای از آینده انتظار می‌رفت، شکل گرفت، زمانی که تعداد زیادی از نوابغ هنری در آن دوران فعالیت داشتند. هنرمندان جنبش کبرا که مرکز توجه آنها آزادی بیان بود، هیچ محدودیتی را نه از نظر روش کار و نه محتوای آثار برای خود قائل نبودند. لذا در آثار هنری ایشان کارهایی از جنس سفال به‌وفور یافت می‌شود. آثار سفالین هنرمندان این جنبش هیچ شباهت و ارتباط مستقیمی از نظر روش کار و فرم و محتوای آثار، با سفال در معنا و فرم سنتی خودش ندارد؛ ازاین‌رو فهم و پذیرش این آثار همانند هر اثر هنری دیگری، در گرو شناخت اندیشه‌های هنرمندان خالق آنهاست؛ بنابراین پژوهش پیش رو به‌دنبال چگونگی فرم و محتوای آثار سفالین اعضای این جنبش است. سؤال اصلی که در مقاله مطرح شده این است که آثار سفالین هنرمندان جنبش کبرا از نظر فرم و محتوا چگونه است. این پژوهش با هدفی کاربردی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و به روش توصیفی‌تحلیلی و تجزیه‌وتحلیل کیفی و نمونه‌گیری غیرتصادفی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این آثار کاملاً جدا از بافت سنتی سفال و در راستای اهداف و تفکرات این جنبش شکل گرفته است. ویژگی‌های اصلی آثار سفالین این هنرمندان شامل آزادی و بداهگی، توجه به هنر کودکان و هنر بدوی، غیرتخصصی‌بودن هنر و خلق آثار گروهی بوده و نگاهی نو و جدید را در دنیای سفال خلق کرده است.

واژه‌های کلیدی: جنبش کبرا، اندیشه‌های کبرا، سفال، هنر قرن بیستم.

1-DOI: 10.22051/JJH.2022.38299.1722

۲- دانشیار دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. mehrnooshshafie@yahoo.com

مقدمه

جنبش کبرا یکی از جنبش‌های مهم و تأثیرگذار قرن بیستم است. هنرمندان این جنبش با هدف ایجاد جامعه‌ای بهتر و با این تفکر که بیان خلاقانه می‌تواند پدیدآورندهٔ زبانی جهانی باشد، جنبش کبرا را پایه‌گذاری کردند. این جنبش، در طول دوران فعالیتش نمایشگاه‌های بسیاری برگزار کرد و مجله‌ای به نام کبرا را نیز منتشر کرد و علی‌رغم زمان کوتاه فعالیت رسمی‌اش، تأثیرات بسیاری در شکل‌گیری دیگر جنبش‌های بعد از خود داشت که متأسفانه هنوز در کشورمان به‌خوبی شناخته شده نیست. آنچه در این جستار مدنظر است، شناخت و معرفی جنبش کبرا و تحلیل ویژگی‌ها فرم و محتوای آثار سفالین هنرمندان آن است. سؤالی که مطرح شده این است که آثار سفالین هنرمندان جنبش کبرا از نظر فرم و محتوا چگونه است. در این راستا این پژوهش در دو بخش اصلی ادبیات پژوهش و داده‌ها و یافته‌های پژوهش تنظیم شده است. ادبیات پژوهش ابتدا نگاهی گذرا به جنبش کبرا دارد و آن را معرفی می‌کند و سپس نگاهی بر آثار سفالین هنرمندان کبرا دارد و سرآغاز سفال برای آنها و هنرمندان مطرح در این زمینه را بیان می‌کند. در بخش داده‌ها و یافته‌های پژوهش، در قالب پنج ویژگی اصلی که از مطالعات انجام‌شده در این زمینه استخراج شده است، ویژگی‌های آثار سفالین این هنرمندان تحلیل می‌شود.

پیشینهٔ پژوهش

در خصوص جنبش کبرا، شکل‌گیری و اندیشه‌های شکل‌گرفته در این جنبش به زبان فارسی منبع معتبر و جامعی وجود ندارد و تنها اشارات اندکی به آن، در کتاب‌ها و منابع الکترونیکی شده است که البته هنر معاصر غرب را بیان می‌کند. این در حالی است که به زبان لاتین کتاب‌های زیادی با عنوان COBRA وجود دارد که اندیشه‌ها و آثار هنرمندان آن را تحلیل می‌کند. به‌عنوان مثال Lambert, Jean-Clarence (۱۹۸۳) در کتاب خود با عنوان Cobra, un art libre اندیشه‌ها و شکل‌گیری این جنبش و هنرمندان آن را بیان می‌کند.

Stokvis, Willemijn از محققان برجسته دربارهٔ جنبش کبرا است که تحقیقات وی در قالب مقاله و کتب مختلف منتشر شده است. از جمله آثار وی در این زمینه کتاب

Cobra mouvement artistique international du second après-guerre mondial (1988)

است که در آن به اهمیت و معرفی جنبش کبرا، اندیشه‌ها و هنرمندان آن می‌پردازد. کتاب دیگر او با عنوان

Cobra la conquête de la spontanéité (2001)

به آزادی عملکرد هنرمندان این جنبش اختصاص دارد. وی در مقالاتی چون «Cobra et céramique» (2000) نیز آثار سفالین هنرمندان این جنبش را معرفی می‌کند. اغلب هنرمندان این جنبش نوشته‌ها و کتاب‌هایی در زمینهٔ کاری خود و تفکرات و اندیشه‌های کاری خود در آن زمان دارند؛ به‌عنوان مثال یورن که از اعضای اصلی این جنبش است در کتاب خود با عنوان

Pour la forme-éblauch d´une méthodologie des arts (1959)

تفکرات و اندیشه‌های خود در خصوص آثار هنری و هنر را بیان می‌کند. همچنین آثار هنری زیادی از هنرمندان این جنبش در موزه‌های هنرهای معاصر و موزه‌هایی با نام خود کبرا در کشورهای اروپایی، خصوصاً در هلند، بلژیک و دانمارک موجود است.

دربارهٔ موضوع این مقاله که مطالعهٔ فرم و محتوای آثار سفالین اعضای این جنبش است در کتاب‌ها و مقالات موجود مطلبی مشاهده نشد. از طرفی، با توجه به اهمیت این جنبش در شکل‌گیری جنبش‌های بعد از آن و نبودِ پژوهش در این زمینه به قلمِ محققان کشورمان، ضروری به نظر می‌رسد که در شناخت و تحلیل آثار این جنبش گام‌های تحقیقاتی مؤثری برداشته شود.

روش پژوهش

این مقاله با هدفی کاربردی و به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است و آثار سفالین هنرمندان این جنبش را تحلیل می‌کند. اطلاعات و داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای و اسناد الکترونیک جمع‌آوری شده است. نمونه‌های منتخب در این پژوهش به روش وصفی و براساس اهداف پژوهش و نمونه‌های در دسترس انتخاب شده‌اند. تجزیه‌وتحلیل اطلاعات به روش کیفی صورت گرفته است.

ادبیات پژوهش

جنبش کبرا و شکل‌گیری آن

کبرا یکی از جنبش‌های هنری مهم اروپا است که در نوامبر ۱۹۴۸ در پاریس شکل گرفت. این جنبش واکنشی به

کشمکش و ستیزبین آبستراکسیون و فیگوراسیون بود که شاعری به نام ژوزف نواره[1] و نقاشانی همچون کارل اپل[2]، کنستانت[3]، کورنی[4]، کریستیان دوترومونت[5] و اسجریورن[6] آن را پایه‌گذاری کردند. از آنجایی که محل زندگی اکثر هنرمندان این جنبش در شهرهای کپنهاگ[7]، بروکسل[8] و آمستردام[9] بود، نام آن براساس ترکیب ابتدای نام این سه شهر انتخاب شد؛ ازاین‌رو نوشتار نام آن به صورت CoBrA است (Onet, 2009: 37).

اعضای جنبش کبرا، فرهنگ عقل‌گرای غربی را که به نظر آنها جنگ جهانی دوم نتایج و ویرانی‌های آن را نشان می‌دهد، نفی می‌کند و در آرزوی سیراب‌شدن از سرچشمه‌های آفرینش‌های هنری، مدل‌های خود را نزد فرم‌هایی که با قوانین و قواعد غرب آلوده نشده‌اند، جست‌وجو می‌کند. ازجملهٔ آن مدل‌ها می‌توان به توتم‌ها و علائم جادویی فرهنگ‌های ابتدایی، خوشنویسی شرقی و هنرهای ماقبل تاریخ اشاره کرد. درعین‌حال این گروه از هنرمندان به وجوه دست‌نخوردهٔ فرهنگ خودشان نیز توجه دارند؛ هنر مردمی شمال اروپا، هنر بدوی، هنر ساده و بی‌ریای دنیای کودکانه و حتی هنر افراد عقب‌افتادهٔ ذهنی. از نظر ایشان این آثار بسیار قوی و نیرومندند و به طبیعت، ذات و روان افراد نزدیک‌ترند و در حقیقت نشانگر هویت عمیق هنرمند هستند (Stokvis, 1988 : 7).

این هنرمندان به‌طور ارادی برای بازگشت به گذشته تلاش می‌کنند، بازگشتی به تصاویر اولیه که در باطن و ضمیر ناخودآگاه هر فرد پنهان است. آنها در پی فرم‌هایی هستند که کمتر قواعد و مدل‌ها به آن سرایت کرده است (Stokvis, 2000 : 68).

در بین سال‌های فعالیت این گروه، نمایشگاه‌های بی‌شماری نیز برپا شد، شروع آن با نمایشگاهی در کپنهاگ در سال ۱۹۴۸ از آثار یورن، اگیل یاکوپسن[10] و پدرسن[11] بود. همچنین در مارس ۱۹۴۹ در بروکسل نمایشگاهی با عنوان «پایان راه‌ها» برگزار شد و باعث ملحق‌شدن پییر آلچینسکی[12] به گروه شد که بعدها یکی از اعضای بسیار فعال آن شد. در همان سال در آمستردام تعداد زیادی از هنرمندان بین‌المللی آثار خود را به نمایش گذاشتند و صدای این جنبش را به گوش جهانیان رساندند. در سال ۱۹۵۱ در لیبژ[13] به درخواست یورن و دوترومونت آخرین نمایشگاه کبرا برگزار شد. در نوامبر همان سال و بعد از انتشار دهمین شماره از مجلهٔ کبرا، این جنبش به پایان رسید.

باید گفت که انتشار مجلهٔ کبرا باعث نامیرایی این جنبش شد. به‌بیان دیگر، این مجله که حدود یک سال و نیم و به تعداد ۱۰ عدد چاپ شد، اسطورهٔ بی‌پایان کبرا را رقم زد. درواقع منحل‌شدن گروه کبرا، پایان این جنبش نبود و کبرا به دنیای هنر، افسانه‌های بسیاری از بازی‌های کودکانه گرفته تا تصاویر سادهٔ هنر مردمی را پیشکش کرد. کبرا در دنیای اسفبار و وحشی نقاشی ماده‌گرا خاموش نشد، بلکه با عناوینی متفاوت به دست اعضای جنبش به جهانیان معرفی شد و با استقبال نیز مواجهه شد (Stokvis 1988 : 13). به‌طوری‌که براساس نظر بسیاری از نقاشان کبرا مثل آلچینسکی، «کبرا به‌طور کامل و با تأخیر بعد از جنبش کبرا اتفاق افتاد» (Lambert, 1983 :239).

این جنبش براساس نظر برخی از صاحب‌نظران آغازی برای دیگر جنبش‌ها مانند فلوکسوس یا سیتواسیونیسم بود. همچنین در سال‌های ۱۹۶۰ کبرا و فریادش دربارهٔ بازگشت به طبیعت، توسط جنبش‌های دیگر نظیر جنبش پرووست[14] در آمستردام که کنستانت در شکل‌گیری آن نقش شایانِ توجهی داشت، ادامه یافت (Lambert,1983 :219) . در جای دیگر فریاد آزادی که یورن در لوای کبرا سر داده بود، منبع الهام هیپی‌ها[15] ها شد (Stokvis, 1988 :13) و متأخرتر از همه، اهمیتی که رسانه‌ها در سال ۲۰۱۷ به نمایشگاه آثار کارل اپل در موزهٔ هنر مدرن پاریس دادند، حکایت از یادواره‌های نو و همچنان زنده‌بودن اندیشه‌های کبرا داشت (URL3).

آثار سفالین هنرمندان کبرا

هنرمندان جنبش کبرا از نظر تکنیک خلق آثار هیچ‌گونه محدودیتی را برای خود قائل نبودند و روش‌های مختلفی را در خلق آثارشان به کار می‌بستند؛ مانند طراحی، نقاشی، مجسمه، چوب، فلز، سفال، کلمات، صداها، نوشته‌ها و غیره. این امر به آن جهت اتفاق افتاد که آنها معتقد به تخصصی‌بودن هنر نبودند؛ بنابراین محدودیتی در شیوهٔ هنری و مواد استفاده‌شده نداشتند و هر روشی را برای بیان هنری خود می‌آزمودند.

در خصوص آثار سفالین این هنرمندان باید گفت که برخی از اعضای این جنبش قبل از پایه‌گذاری آن و در سال ۱۹۴۸ موقعیت آن را داشتند که با سفال کار کنند. در حقیقت کارل اپل، کنستانت، کورنی و راسکین در کارخانهٔ چینی راسل تیگلیو[16] در تگلن[17] لیمبورگ[18] هلند کار می‌کردند و کار آنها

فقط شامل نقش‌اندازی برروی اشیای ساخته شده بود (Stokvis, 2000 : 69).

همچنین لوسبرت، شاعری که در ابتدا به‌طور محدود با گروه کبرا کار می‌کرد، در سال‌های ۱۹۵۱-۱۹۵۰ موقعیت نقاشی روی سرامیک را پیدا کرد. در این دوره او معاشرت زیاد با زنی سرامیست به نام فریدا کخ[۱۹] داشت که خیلی سریع معشوقهٔ بزرگ لوسبرت شد. وی بسیاری از اشعارش را به او تقدیم کرده است و از علاقه‌اش به نقاشی برروی آثار فریدا صحبت می‌کند. در آثار او تأثیر سفال‌های پیکاسو و میرو دیده می‌شود (Stokvis, 2000 : 69-70)(تصاویر۱ و ۲).

تصویر۱. لوسبرت، بدون عنوان، ۱۹۹۴ (Stokvis, 1999 : 128)

تصویر۲. پیکاسو، گلدان با دو دسته، ۱۹۵۳، (URL5)

برای هنرمند دیگر این گروه یعنی لوتی واندرگاگ[۲۰] نقاش و مجسمه‌ساز که از سال ۱۹۵۰ به گروه پیوست، کار با گل یکی از شیوه‌های بیانی منحصربه‌فرد در طول آن سال‌ها شد. فیگورهای وی ساده و بدون رنگ هستند و بعدها با برنز اجرا شدند (Stokvis, 2000: 70)(تصویر۳).

تصویر۳. لوتی وندرگاگ، سگ، ۱۹۵۲ (URL4)

اسجریورن که یکی از اعضای اصلی این جنبش است که بیشترین آثار سرامیکی را از خود برجای گذاشته است. او همچنین به کارخانهٔ سرامیک آلبیزولا[۲۱] دعوت شد تا شاید بتواند نقشی را که پیکاسو در والوریس[۲۲] ایفا کرد داشته باشد (Stokvis, 2000 : 72). شیوهٔ کار او به پیکاسو شباهت دارد، او از حجم‌های کاربردی استفاده می‌کند و آثار جدید خلق می‌کند. او در خصوص سفال‌هایش می‌گوید: «من عمداً از اشیای کاربردی اشیای غیرکاربردی می‌سازم.» (Jorn, 2001 :180) در واقع برای بسیاری از هنرمندان کبرا، پیکاسو بدون شک منبع الهام بی‌واسطه برای خلاقیت آزاد و ناخودآگاه بود. البته میرو نیز در این میان برای این هنرمندان تأثیرگذار بوده است (Stokvis, 2000 : 68) که هر دوی این هنرمندان مقاطعی از زندگی خود را نیز صرف کار با گل کرده‌اند.

تصویر۵. اسجریورن، گلدان، بدون عنوان، ۱۹۵۳ (Stokvis, 2000 : 157)

تصویر۵. اسجریورن، گلدان، بدون عنوان، ۱۹۵۳ (Stokvis, 2000 : 157)

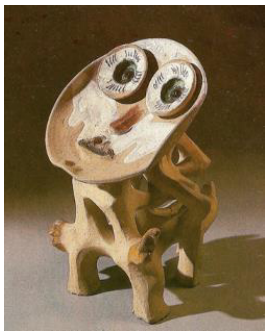

تصویر۶. اسجریورن (URL6)

یورن از سال ۱۹۳۳ به‌طور محدود در آتلیهٔ سرامیست معروف دانمارکی به نام نیلسن[۲۳] کار می‌کرد و از سال ۱۹۵۳ به‌طور متمرکز و فشرده کار با گل را ادامه داد. عمده کارهای او نزد نیلسن در سیلک بورگ[۲۴] دانمارک و آتلیهٔ جنسر[۲۵] در سورینگ[۲۶] که مرکز سرامیک یوتلند[۲۷] در دانمارک است، انجام شده است. او همیشه آرزوی زنده‌کردن مراکز سنتی

سفال یوتلند را داشت، همان کاری که پیکاسو در والوریس کرد. یورن به سفالگران محلی آنجا توجه ویژه داشت و روش کار آنها را یادداشت می‌کرد که حاصل آن را در مقاله‌ای با عنوان «ادراکی از هنر سفالگری در سیلک بورگ» در سال ۱۹۵۳ منتشر کرد. موزهٔ سیلک بورگ تعداد زیادی از آثار وی را به همراه اسکیس‌هایش نگهداری می‌کند.

در پاییز ۱۹۵۳، به پیشنهاد انریکو باخ[۲۸]، یورن در شهر ساحلی البیزولا در ایتالیا که مرکز سفال در طی قرون مختلف بوده ساکن شد. او در کارخانهٔ سرامیست و شاعر معروفی به نام تولیو مازوتی[۲۹] مشغول به کار شد. در این مکان از سال‌های ۱۹۲۰ هنرمندان بزرگی چون فونتانا[۳۰] و برخی از هنرمندان فوتوریست کار می‌کردند. در چنین شرایطی، یورن در سال ۱۹۵۴ در آنجا اولین مانیفست «مواجههٔ بین‌المللی سرامیک»[۳۱] را برگزار کرد که در آن تجربهٔ خلق گروهی آثار سرامیک شکل گرفت. در این گردهمایی هنرمندان زیادی از کشورهای مختلف حضور داشتند. در همان سال نمایشگاه آثار گروهی برپا شد. طبق نظر استوکویس اوج سرامیک‌های کبرا را می‌توان در همین سال‌ها یعنی ۱۹۵۴ و در آلبیزولا یاد کرد. (Stokvis, 2000: 70-72) یورن تا سال ۱۹۶۰ در البیزولا ماند و دو سال آخر زندگی‌اش یعنی قبل از ۱۹۷۳ را نیز وقف خلق آثار سفالین کرد. نقاشی‌ها و سرامیک‌های او تحت تأثیر یکدیگر هستند. بزرگ‌ترین اثر او نقش برجسته‌ای به طول ۲۷ متر و ارتفاع ۳ متر است که در آرهوس[۳۲] در یوتلند نصب شده است. این نقش برجسته به صورت تکه‌های بزرگ و با ساختاری پر از شیار و خراش و رنگ‌های زنده کار شده است. تصاویر ۴ و ۵ و ۶ نمونه‌هایی از آثار وی هستند.

مطالعهٔ فرم و محتوای آثار سفالین هنرمندان جنبش کبرا

در مطالعه و پژوهش در خصوص جنبش کبرا و ویژگی‌های هنر اعضای آن، برخی از موارد، برجسته، پررنگ و پراهمیت در آثار آنها جلوه‌گر شده است. این خصوصیات را می‌توان در چند ویژگی متمایز کرد که در اکثر آثار اعضای این گروه، با هر روش و ماده‌ای که خلق شده باشند به چشم می‌خورد. مطالعاتی که در این پژوهش صورت گرفت نشان داد که آثار هنری اعضای این جنبش با چند ویژگی مهم همراه هستند که برای سهولت در ارائهٔ مطالب و انسجام در متن، ویژگی‌های اصلی و پراهمیت این آثار استخراج و دسته‌بندی شدند. با توجه به مطالعات انجام‌شده، آثار اعضای این جنبش دارای ویژگی‌هایی شامل آزادی هنرمند در خلق اثر و خلق آثار بدون پیش‌فرض و به‌صورت ناخودآگاه، بدوی بودن آثار و توجه به هنر اقوام بدوی، خلق آثار کودکانه، ضدتخصصی بودن آثار خلق‌شدهٔ هنرمند و خلق آثار به صورت دسته جمعی و گروهی، است که در ادامه بیان خواهد شد، اما با توجه به آنکه آثار نسبتاً کمی از اعضای این جنبش با سفال خلق شده است نمونه‌های زیادی از این آثار در دسترس نیستند، البته همین تعداد محدود تا حدودی نمایانگر فضایی منحصربه‌فرد، متحول و متأثر از اندیشه‌های اعضای این جنبش است و تحلیل آنها جز از دریچهٔ تفکر آنها امکان‌پذیر نیست.

آزادی و فی‌البداهگی در خلق آثار سفالین

آزادی، ناخودآگاهی و فی‌البداهگی از مهم‌ترین شعارها و اهداف اعضای این جنبش است که تأثیر چشمگیری در شکل‌گیری آثار هنرمندان آن و تحقق جنبش‌های پس از خود داشت. در حقیقت بعد از جنگ جهانی دوم در اروپای ویران‌شده از جنگ، هیچ پرسپکتیوی از آینده به‌وضوح تصویر نمی‌شد و هر اتفاقی در آن هرج‌ومرج می‌توانست به وجود آید. در دل جنبش کبرا مفاهیم در ارتباط با جامعه و هنر شکل گرفت، طبق نظر اعضای این جنبش: «ما در این اندیشه هستیم که گذشته عمر خودش را کرده است، ما از نو زندگی می‌کنیم، در شروع همه چیز، با امید به اینکه هرج‌ومرج و نافرمی، نظم جدیدی بیافریند، یک جامعهٔ جدید و یک هنر جدید.» (Stokvis, 2001 :293) و این هنر جدید تجربه‌ای متفاوت برای آنها قلمداد می‌شد. تجربه‌ای آزاد و بداهه، همان‌گونه که اعضای جنبش گفته‌اند: «تجربهٔ ما در جست‌وجوی بیان تفکری ناخودآگاه، خارج از تمامی کنترل‌های عمدی است. به‌وسیلهٔ این ناخودآگاه نابخردانه، ما به سرچشمهٔ زندهٔ هستی نائل می‌آییم. هدف ما فرار از قلمرو عقل و دانایی است... برای رسیدن به قلمرو زندگی.» (Stokvis, 2000 : 67) در دیگر مباحث اعضای این جنبش و همچنین در آثار خلق‌شدهٔ ایشان، ویژگی آزادی و بداهگی به‌وضوح حضور یافته است.

بنابراین خلق آثار بدون داشتن پیش‌فرض و الگوی مشخص، به‌گونه‌ای که آثار کاملاً آزادانه انجام شده و با حداقل آگاهی از نتیجه و ماحصل کار خلق شده باشد، در آثار آنها دیده می‌شود. این ویژگی در آثار سفالین اکثر هنرمندان این جنبش نیز مشهود است. تصاویر ۷ و ۸

نمونه‌ای از این آثار را نشان می‌دهد، نحوهٔ به‌کارگیری رنگ‌ها که با غلظت بسیار و خلاف اصول سنتی رنگ‌گذاری سفال عمل شده است، همچنین طرح‌های پرابهام و شتاب‌زده که برخاسته از ناخودآگاه هنرمند است، نشانگر عملکرد آزادانه و فی‌البداههٔ هنرمند در خلق اثر است. احجام خلق‌شده در این راستا نیز از این امر مستثنا نیستند، به‌عنوان مثال تصویر۹ که اثر مشترک واندرکم و دوترومونت است، مجسمه‌ای را نشان می‌دهد که فرمی نامشخص و بافتی خشن و ابتدایی از اثر دست بر روی گل است که ماحصل اجرای آزاد، سریع و ناخودآگاه دو هنرمند خالق اثر است. در این آثار و بسیاری دیگر از آثار سفالین هنرمندان کبرا آزادی و بداهگی ویژگی انکارناپذیر آن است.

تصویر۷. کارل اپل، لخت، ۱۹۵۴، (Stokvis, 2000 : 155)

تصویر۸. کارل اپل، سر، ۱۹۵۴، (Stokvis, 2000 : 155)

تصویر۸. کارل اپل، سر، ۱۹۵۴، (Stokvis, 2000 : 155)

توجه به هنر کودکان در خلق آثار سفالین

هنرمندان این جنبش هنر را همچون هنر بچه‌ها، یک شعر یا نقاشی بداهه یا هنر قبایل بدوی می‌دانند. آنها خود را حامل پیام‌هایی می‌دانند که با کلمه، رنگ و فرم ترجمه می‌شود. هر چیز سمبل خودش را دارد و حاوی روح است: یک درخت، یک میز، یک حیوان، یک انسان و غیره. کارل هدینگ پدرسن که یکی از اعضای اصلی این جنبش محسوب می‌شود، در سال ۱۹۴۹ می‌گوید: «روش بیان ما چیز جدیدی نیست: ما خیلی ساده خاطرات دوران بچگی‌مان را به یاد می‌آوریم. ما جوهرهٔ انسان را جست‌وجو می‌کنیم.» (Stokvis, 2001 :296) هم در نوشته‌های اعضای این جنبش و هم در آثار و شیوهٔ کارشان، به‌طور مشخص و انکارناپذیری هنر کودکان و هنر کودکانه محلِ توجه و حتی کنکاش قرار دارد. در ادامه مثال این کنکاش را در نمایشگاه سرامیک کودکان خواهیم دید.

کارل اپل در نوشته‌های خودش دربارهٔ «ماجراهای آلبیزولا» رویداد مهمی در ارتباط با هنر کودکان را بیان می‌کند و می‌گوید: «در ۱۹۵۵ در البیزولا تجربهٔ جدیدی در سرامیک داشتیم که توجه به نقاشی‌های کودکان بود. البته قبل از آن یورن در دانمارک آن را آغاز کرده بود. در واقع در سال‌های جنگ در مجلهٔ هلهستن[۳۳] و بعد از آن در جنبش کبرا مطرح شده بود. در این تجربهٔ جدید حدود صد بشقاب توسط بچه‌ها تزیین می‌شد که پنج نفر از آنها طرح روی جلد کتاب ساختار و تغییر[۳۴] اثر یورن را که در سال ۱۹۵۶ منتشر شد، کار کردند. البته این کار نتایج روان‌شناسانه‌ای در خصوص روش‌های خلق اثر در سنین پیش از دبستان نیز در برداشت.» (Stokvis, 2000: 74) این مسئله به‌طور مستقیم توجه اعضای جنبش با هنر کودکان و مشخصاً با سفال کودکان را بیان می‌کند (سمت چپ تصویر۱۰ تعدادی از آثار این کودکان را نشان می‌دهد).

اما آثار خلق‌شدهٔ اعضای این جنبش نیز نشانگر آفرینش‌های آنها همانند آثار کودکان است، به‌طوری که کارل اپل در جایی می‌گوید: «اغلب، افراد در مواجهه با آثار من چنین می‌گویند: این را ببین! دختر کوچک سه سالهٔ من هم می‌تواند چنین کاری را بکند و من می‌گویم: بله درست است، اما تفاوت اینجاست که من آنها [را] انجام دادم در حالی که او نه.» (همان)

اغلب آثار سفالین آنها در فضایی کودکانه کار شده است، به این معنی که به‌لحاظ نوع برخورد با متریال مصرفی بدون در

نظرگرفتن شیوه‌های سنتی و کلاسیک کار و به دور از هرگونه قواعد و قوانین از قبل تعریف شده‌ای، اغلب با بازی بداهۀ برگه‌ها و رنگ‌ها، خطوط ملایم یا خشن، نقوش مشخص و گاه نامشخص خلق شده‌اند. موضوعات، محتوا و نقوش آثار نیز از این امر مستثنا نیست. فیگورهایی به سبک کودکان، حیوانات ساده‌شده با تزیینات ابتدایی و عناصری از نقاشی کودکان به‌وفور در آثار آنها به چشم می‌خورد. تصاویر ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ نشانگر بخشی از این آثار است.

تصویر۱۰. نمایشگاه سرامیک گروهی کبرا در آلبیزولا، ۱۹۵۵
سمت چپ تصویر: آثار کودکان در آلبیزولا و تصویر جلد کتاب «ساختار و تغییر» اثر اسجریورن (Stokvis, 2000 : 76)

تصویر۱۱. کارل اپل، پرسناژ با ماهی، ۱۹۵۳ (Stokvis, 2000 : 81)

تصویر۱۲. کورنی، بدون عنوان، ۱۹۵۴ (Stokvis, 2000 : 156)

تصویر۱۳. اسجریورن، بدون عنوان، ۱۹۵۴ (Stokvis, 2000 : 67)

توجه به هنر اقوام بدوی در خلق آثار سفالین

توجه به هنر اقوام بدوی و خلق آثار بدوی‌گونه از ویژگی‌های بارز و بیان‌شدۀ اعضای این جنبش است. از نوشته‌های یورن چنین برمی‌آید که یکی از نظریه‌های مدنظرِ او و دوستانش نظریۀ راسکین و موریس در قرن نوزدهم است که انسان بتواند با خلاقیت خود دوباره درگیر طبیعت شود و به‌جای آنکه با محصولات صنعتی زندگی کند با اشیای دست‌ساختۀ خویش احاطه شود (Jorn, 1958 : 43-48). همان‌گونه‌ای که اجداد ما و نیز انسان کهن می‌زیسته است. یورن در مقالۀ «گفت‌وگو با پنگوئن‌ها»، اهداف کبرا را چنین خلاصه می‌کند: «هدف هنر قبل از هر چیز مطابق آداب‌ورسوم و روحانی و سپس زیبایی‌شناسانه است.» (Kurczynski,2014:57)

بر اساس نظر استوکویس، «زبان کبرا، ریشه‌هایش را از نقطۀ صفر تمدن می‌گیرد: از نیستی و تمایل به پیشرفت انسان از یک مرحلۀ خام. درواقع به‌نوعی بازگشت عمدی به مرحلۀ آغازین خلق برگه‌های هنری.» (Stokvis, 2000 : 68) همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «آثار بدوی آنان [هنرمندان کبرا] عمق ذات و جوهرۀ آنها را برملا می‌کند که در ارتباط مستقیم با هنر پیش از تاریخ اسکاندیناوی و هنر مردمی است.» (Stokvis,1988 8 :) و در حقیقت آنچه در آثار این هنرمندان اتفاق می‌افتد نیز نمایانگر توجهی عمیق به هنر اقوام بدوی است. در حقیقت، توجه به هنر اقوام بدوی و هنر دیگر فرهنگ‌ها دغدغه‌ای مهم و اندیشه‌ای بنیادین برای آنها بوده است. خلق آثار ناب و برگرفته از فطرت انسان همانند قبایل ابتدایی و انسان‌های اولیه از آرمان‌های گروه شناخته شده است؛ به‌عنوان مثال یورن با سرامیک فیگورهایی برگرفته از هنر مردمی و اساطیر اسکاندیناوی با برگه‌های سمبلیک خلق می‌کرد. او در خصوص هنر قبایل بدوی می‌گوید: «در هنر باید به سمبل‌های عمومی برای همه رسید. ما نمی‌توانیم به حقیقت دست یابیم مگر با نگاهی ماورایی و متفاوت؛ همانند آنچه سرخپوستان قدیم یا قبایل بدوی خلق کرده‌اند.» (Stokvis, 2001 : 300)

تصویر ۱۴ مثالی خوب از این آثار است. این اثر فیگورسگی را نشان می‌دهد که بسیار ابتدایی و ساده ساخته شده است. در کنار آن تصویر ۱۵ پیکرۀ حیوانی است مربوط به هزارۀ سوم قبل از میلاد که از شوش به دست آمده است. بدوی بودن در هر دو اثر به روشنی نمایان است. البته باید گفت که این مثال فقط جهت تشابه نوع نگرش و نحوۀ برخورد با متریال مصرفی آورده شده است. مثال دیگر تصویر ۱۶ است که گلدانی با سطحی خشن و ناهموار است که زائده‌هایی همانند نوک پستان بر سطح خود دارد که این نوع تزیین نیز در سفال‌های باستانی و اولیه با مفاهیمی همچون باروری

خلق شده‌اند. سر حیوان گونهٔ گلدان نیز پلی ارتباطی بین اثر و آثار بدوی برقرار می‌کند؛ اما مسئلهٔ مهم در این آثار، تطبیق این آثار با آثار گذشتگان نیست، بلکه در تأیید نگاه بدوی گونهٔ هنرمندان ارائه شده است.

تصویر۱۴. اسجریورن، سگ، ۱۹۵۵-۱۹۵۳ (Stokvis, 1999 : 59)

تصویر۱۵. حیوان، شوش، هزارهٔ سوم قبل از میلاد (منبع: نگارنده)

تصویر۱۶. کنستانت، گلدان، ۱۹۲۰ (Stokvis, 2000 : 81)

البته لازم است بیان شود که اعضای جنبش کبرا ملیت‌های مختلفی داشتند و این جنبش، جنبشی بین‌المللی بوده است، لذا آثار آنها نیز برگرفته از فرهنگ‌های مختلف خلق شده است. البته نه به این معنا که هر هنرمندی الزاماً با توجه به فرهنگ ملی خودش خلق اثر کرده باشد، بلکه به این مفهوم که آثار خلق شده در این جنبش فرهنگ‌های مختلف را در خود دارد و ردپای فرهنگ‌های مختلف از شرق تا غرب در آثار آنها به چشم می‌خورد؛ به‌عنوان مثال آلچینسکی تحت تأثیر هنر شرق خلق اثر می‌کند با آنکه خود بلژیکی تبار است. تصویر۱۷ تعدادی از آثار او را نشان می‌دهد که بشقاب‌های سرامیکی به رنگ آبی و سفید هستند که با نقوش شرقی خود و رنگ انتخابی که دارند، یادآور سفال‌های آبی و سفید چین است.

تصویر۱۷. پیر آلچینسکی (URL2)

غیرتخصصی بودن هنر و خلق آثار سفالین

در خصوص هنر کبرا گفته می‌شود که ریشه‌های کار هنری آنها در تفکر سیاسی ایجاد شده توسط تحلیل مارکسیستی انقلابی اجتماع و بر ضد تمامی تخصص طلبی‌های هنر نیز نشئت می‌گیرد. اعضای این گروه علاقه‌مند به خلق آثار گروهی از قبیل شعر، نوشته، نقاشی و مخالف با تمامی ساختارهای سبکی و زیبایی‌شناسانه بودند (Stokvis, 2000 : 67). به همین دلیل آثار هنرمندان این جنبش با روش‌ها و فن‌های گوناگونی، فارغ از تخصص و رشتهٔ هنری هر کدام از آنان خلق شده‌اند. به‌عنوان مثال لوسبرت شاعری از این گروه است که دست بر نقاشی، سفال، مجسمه و... برده است و این مسئله به‌وضوح و به‌وفور نزد هنرمندان این جنبش دیده می‌شود.

مسئلهٔ غیرتخصصی بودن هنر در آثار سفالین اعضای جنبش کبرا نیز بسیار چشمگیر است، چرا که هیچ‌کدام از اعضای این جنبش سفالگر نبوده‌اند. اکثر آنها همچون کارل اپل، اسگر یورن، آلچینسکی و تعدادی دیگر از این هنرمندان، نقاشانی هستند که دستی بر سفال برده‌اند و حتی شعرایی همچون پدرسن که نقاشی هم می‌کرده و فیگورهای خیالی زیادی را با سفال خلق کرده است. پدرسن در سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ دیواری بزرگ به ابعاد ۵ متر در ۲۲۰ متر را با زمینهٔ آبی و نقش پرندهٔ خیالی و با عنوان «بازی فانتزی در اطراف کوچهٔ زندگی» کار کرد که در نوع خود بسیار عظیم و تأثیرگذار است. این اثر نشان از جدیت هنرمندان این جنبش در به‌کارگیری روش‌ها و شیوه‌های جدید و غیرتخصصی خود دارد. همهٔ تصاویری که در این متن ارائه شده است، نشانگر بخشی از این آثار است که هنرمندانی که تخصصی غیر از

سفالگری داشته‌اند، خلق کرده‌اند. حتی این هنرمندان در سال‌های پس از اتمام جنبش نیز همچنان با اندیشهٔ غیرتخصصی بودن هنر کار کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال می‌توان از اثر مشهور آلچینسکی نقاش، در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ با نام «ورق نازدنی»[۳۵] یاد کرد که مجموعه‌ای از کتاب‌هایی است که ورق زدنی نیست و بر روی هر کدام تصاویر و نوشته‌هایی اعم از اسامی افراد و جملات قصار نقش بسته است. هر کدام از این جملات مربوط به شخص یا داستان خاصی هستند. تصویر۱۸ تعدادی از این کتاب‌ها را نشان می‌دهد که اسامی برخی از هنرمندان کبرا را بر خود دارد[۳۶].

تصویر۱۸. پیر آلچینسکی، ورق نازدنی، ۲۰۰۶-۲۰۰۱، (Abadie, 1994)

خلق آثار سفالین به‌صورت جمعی و گروهی

سرچشمه‌های خلق آثار کبرا در هنر جمعی نیز وجود دارد، به این معنا که افراد با هم و به‌صورت جمعی در خلق یک اثر شریک‌اند (Onet,2009:38-39). درواقع نقاش، شاعر، مجسمه‌ساز و... با هم اما بر اساس ایدهٔ خودشان کار می‌کنند، مانند آثار یورن و دوترومونت یا آثار دوترومونت و گیوم. همان‌گونه که گفته شد: «نقاشی‌ای با دو قلم‌مو، نوشته‌ای با دو تفکر» (Laoureux, 2013). ازنظر دوترومونت، همکاری بین آنها نوعی همکاری تجربی است که از تمامی نظریه‌های جزمی و متعصبانه به دور است (URL1). آنها می‌گویند: «ما متوجه شدیم که شیوهٔ زندگی ما، کار ما، احساس ما مشترک است؛ ما در پلان کاری خودمان تفاهم داریم و وارد نظریه‌های ساختگی نمی‌شویم. ما با هم کار می‌کنیم و با هم کار خواهیم کرد.» (Musée de Tessé le Mans,2017 :10)

این مسئله در خلق بعضی از آثار سفالین گروه نیز دیده می‌شود. تصویر۱۹ مراحل خلق یک نقش برجستهٔ بزرگ سفالین را به‌صورت دسته‌جمعی نشان می‌دهد که علاوه بر همکاری گروهی، مواردی همچون آزادی و بداهگی در خلق اثر را نیز به نحو احسن نمایش می‌دهد، آنجایی که رد پا و رد چرخ موتور بخشی از اثر هستند. همچنین شاهد آثاری مشترک از کریستین دوترومونت شاعر و سرژواندرکم هستیم که شامل مجسمه‌هایی بدون پیش‌فرض است که واندرکم آن را ساخته و دوترومونت بر روی آنها نوشته‌هایی را حک کرده است، تصاویر۹ و ۲۰ بخشی از این آثار را نشان می‌دهد.

تصویر۱۹. یورن و همکارانش در حال کار بر روی نقش برجستهٔ بزرگ، آلبیزولا، ۱۹۵۹ (URL8)

تصویر۲۰. اثر مشترک دوترومونت (شعر حک‌شده روی گل) و سرژواندرکم (مجسمهٔ گلی)، ۱۹۵۹-۱۹۵۸ (Laoureux, 2013)

نتیجه‌گیری

مطالعهٔ سفال هنرمندان همواره نمایانگر ایده‌های نو و خلاقانهٔ افرادی است که در دنیای هنر به‌طور عام، تأثیرگذار بوده‌اند. زمانی که این تأثیرگذاری وارد هنرهای کاربردی شود، مرزهای سنتی و قواعد و چهارچوب‌های از پیش تعریف‌شده را درمی‌نوردد و دریچه‌هایی جدید را با خلق آثاری بدیع در دنیای سنتی باز می‌کند. جنبش کبرا خود جنبشی بزرگ و تأثیرگذار در قرن بیستم بوده است و نه تنها هنرهای تجسمی و ادبیات را تحت‌تأثیر قرار داده، بلکه از هنرهای کاربردی همچون سفال نیز بهره برده است. این مقاله به معرفی اجمالی آن و تفکرات شکل‌دهندهٔ آثار هنری آنان نیز پرداخت. مطالعات این مقاله نشان داد که آثار سفالین شکل‌گرفته در این جنبش را با پنج ویژگی اصلی و

کلی در فرم و محتوا می‌توان مطالعه و تحلیل کرد. همهٔ این ویژگی‌ها و گاه تعدادی از آنها، در آثار سفالین مشهود است که اصلی‌ترین آنها آزادی و بداهگی در خلق اثر است که تقریباً در تمامی آثار خلق شده در این جنبش به چشم می‌خورد. توجه به هنر کودکان و هنر بدوی از دیگر ویژگی‌های سفال هنرمندان کبراست که در بسیاری موارد به آن توجه شده است. ویژگی مشترک دیگر در تمامی این آثار، غیرتخصصی بودن هنرمندان آن است که باعث شده این آثار به‌دست هنرمندانی ساخته شود که هیچ‌کدام سرامیست نیستند و عمدتاً نقاش یا مجسمه‌ساز هستند و شاعر و نویسنده نیز در بین آنها به چشم می‌خورد. خلق آثار گروهی در آثار سفالین هنرمندان این جنبش پدیده‌ای نوظهور در آن زمان است که آثار به‌طور هم‌زمان به‌وسیلهٔ چند هنرمند خلق می‌شود. این ویژگی‌ها نه‌تنها در آثار سفالین که در دیگر آثار هنرمندان این جنبش نیز شایستهٔ بررسی است. با توجه به مطالب بسیار اندک و ناچیزی که به زبان فارسی دربارهٔ این جنبش موجود است و اهمیت بالایی که این جنبش در بین جنبش‌های قرن بیستم دارد که منجر به چاپ کتاب‌ها و مقالات بی‌شماری به دیگر زبان‌ها شده است، امید است و نیاز است که در آینده شاهد مطالب علمی گسترده‌تری در این خصوص باشیم.

پی‌نوشت

1 Joseph Noiret
2 Karel Appel
3 Constant Nieuwenhuys
4 Corneille Guillaume Beverloo
5 Christian Dotremont
6 Asger Jorn
7 Copenhagen
8 Brussels
9 Amsterdam
10 Egill Jacobsen
11 Carl-Henning Pedersen
12 Pierre Alechinsky
13 Liège
14 Provost
15 Hippies
16 Russel Tiglio
17 Teglen
18 limbourge
19 Frieda Koch
20 Lotti Van der Gaag
21 Albisola
22 Vallauris
23 Nielsen
24 Silkeborg
25 Knud Jenser
26 Sorring
27 Jutland
28 Enrico Baj
29 Tullio Mazzotti
30 Fontana
31 Rencontres Internationales de la ceramique
32 Aarhus
33 Helhesten
34 Structure et changement
35 infeuilletable
36 Christian Dotremont, René Char, Yves Bonnefoy, Pierre Bettencourt, Pierre Michon et Jean tardieu

References

Abadie, D. (1994). ***Pierre Alechinsky, Toiles, grès et Porcelaines***, Paris: Galerie Lelong.

Jorn, A. (1958). ***Pour la Forme-éblauch d´une Méthodologie des Arts***, Paris: Internationale Situationniste.

Jorn, A. (2001). ***Discours aux Pingouins et d´autres Ecrits***, Paris: Ecole Nationale Supérieur des Beaux-Arts.

Kurczynski, K. (2014). ***The Art and Politics of Asger Jorn : The Avant-Garde Won›t Give Up***, UK: Routledge.

Lambert, J. C. (1983). ***Cobra, un Art Libre***, Paris: Chêne/Hachette.

Stokvis, Willemijn (2000). Cobra et Céramique, Dans De la Couleur et du Feu, Réunion des musées nationaux, ***Paris et musées de Marseille***, 67-81.

Stokvis, W. (1988). Cobra Mouvement Artistique International du Second Après-Guerre Mondial, Paris: Albin Michel.

Stokvis, W. (2001). Cobra la Conquête de la Spontanéité, Paris: Gallimard.

Laoureux, D. (2013). ***Desceller le Signe, Revue et Encyclopédie Multimédia des Arts***, N. 43,

Musée de Tessé au Mans, Cobra, la Couleur Spontanée, Exposition Temporaire du 11 Novembre 2017 au 18 Février 2018.

Onet, R. (2009). Déclinaison du Collectif. Christian Dotremont: de Cobra aux logogrammes, ***Journal Paroles Gelées: 25(1)***, 37-54.

URLs:

URL1-arts.savoir.fr/les-mouvement-dans-la-peinture-cobra/ (دسترسی در 13مرداد 1397)

URL2-artvalue.com/default.aspx?ID=23&AVEC_PHOTOS=O&ARTISTE_ID=887&ARTISTE=ALECHINSKY&C (دسترسی در 13مرداد 1397)

URL3-connaissancedesarts.com/peinture-et-sculpture/revoir-karel-appel-au-musee-dart-moderne-de-la-ville-de-paris-1163403/ (دسترسی در 12تیر 1397)

URL4-dordrechtsmuseum.nl/objecten/id/dm-010-s48/ (دسترسی در 12مرداد 1397)

URL5-masterworksfineart.com/artists/pablo-picasso/ceramic/vase-deux-anses-hautes-vase-with-two-high-handles-the-queen-1953-2/id/w-6371 (دسترسی در 11/11/1400)

URL6-museumjorn.dk/en/collections/about-asger-jorn/ (دسترسی در 13مرداد 1397)

URL7-sergevandercam.com/en/node/231 (دسترسی در 13مرداد 1397)

URL8-smk.dk/en/visit-the-museum/exhibitions/as-

ger-jorn-restless-rebel/immerse-yourself-in-jorn/1954-1963/
(دسترسی در 12 مرداد 1397)

Glory of Art (Jelve-y-honar)

Alzahra Scientific Quarterly Journal

Vol. 14, No. 2, Summer2022 ,Serial No. 35

Promotional article

http://jjhjor.alzahra.ac.ir/

Study of the Form and Content Characteristics of the Pottery Works of Cobra Artists[1]

Mehrnoosh Shafiei Sararoudi [2]

Received: 2021-10-27
Accepted: 2022-02-19

Abstract

In the Aavant-gardes movements that 20th-century art has seen before the 1940s, painting, sculpture and poetry have been intimately connected. On the other hand, applied arts have been not only the best content for industry, but also as a medium in the hands of artists. After World War II, movements were formed that were particularly central to freedom of expression. The Cobra movement is one of the important movements that took place at that time, when extraordinary expectations and events of the future were expected and a large number of artistic geniuses were active at that time.

The artists founded the Cobra movement, one of the most important and influential movements of the 20th century, with the aim of creating a better society and thinking that creative expression could be the creator of a global language. This movement held many exhibitions and published a magazine called Cobra during its career, and despite the short time of its official activity, it had many influences in the formation of other future movements.

This movement, which was formed in Paris in November 1948, was a reaction to the conflict between Abstruction and Figuration, and founded by poet Joseph Navare and painters such as Carl Apple, Constant, Corneille, Cristian Detromonte and Asgar Jorn. Since most of the artists in this movement were living around Copenhagen, Brussels, and Amsterdam, the name of movement was chosen by the initiative of these three cities, hence the article is called CoBrA.

Members of the Cobra movement reject western rationalist culture, which they believe world war II shows its consequences and devastation, and with the hope to achieve the sources of artistic creations, seek their forms that are not polluted by Western laws and rules. These forms include totems and magical signs of primitive cultures, Eastern calligraphy, and prehistoric arts. At the same time, this group of artists is also mindful of the untapped aspects of their own culture; nordic folk art, primitive art, the simple art of the childless world, and even the art of mentally retarded people. In their view, these works are very strong and powerful and are closer to the nature, instinct and psyche of individuals and in fact represent the artist's deep identity.

The artists of the Cobra movement, whose focus was freedom of expression, did not place any restrictions on their own in terms of methodology or content of the works. So, in their artworks, pottery works are found numerously. Pottery works of this movement have no similarity and direct relation in terms of the method, form and content of the works with pottery in its traditional meaning and form. Therefore, understanding and accepting these works

1-DOI: 10.22051/JJH.2022.38299.1722

2. Associate Professor, Department of Handi Craft , Faculty of Crafts, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.
Email:mehrnooshshafie@yahoo.com

like every other artwork depends on understanding the thoughts of their creator artists. Therefore, the following research is looking at how the form and content of the works of pottery members of this movement are. The main question discussed in the article is: How are the pottery works of artists of the Cobra movement in terms of form and content? So, this research has been set into two main parts including the research literature and data and results of the research. The research literature first takes a brief look at the cobra movement, which introduces the movement, and then looks at the pottery works of Cobra artists and studies the beginnings of pottery for them and the prominent artists in this field. In the data section and the findings of the research, it analyzes the characteristics of the pottery works of these artists in the form of five main features, that are extracted from the studies in this field.
This paper has been conducted with an applied purpose and descriptive-analytical method and analyzes the pottery works of artists of this movement. The information and data were collected through library and electronic documents. The selected samples were selected by descriptive method and based on research objectives and available samples. Data analysis was performed by qualitative method.
There is not a reliable and comprehensive source in Persian regarding the Cobra movement, the formation and thoughts formed in this movement and only a few references have been made to it in books and electronic sources that deal with contemporary Western art. However, in Latin, there are many books called COBRA that analyze the thoughts and works of its artists.
In the study and research on the cobra movement and the characteristics of the art of its members, some cases have been highlighted, colorful and important in their works. These characteristics can be distinguished in a few cases, which can be seen in most of the works of members of this group, by any method and material they have been created. Studies conducted in this study showed that the artworks of members of this movement are accompanied by several important features that were extracted and categorized for ease of information presentation and coherence in the text. According to the studies, the works of the members of this movement have some characteristics including the freedom of the artist to create the work and create the works without preconception and unconsciously, the primitiveness of the works and attention to the art of the primitive tribes, the creation of childish works, the anti-professionalism of the works created by the artist and the creation of the works collectively and in groups, which were dealt with in detail in the text of the article. Only a few artworks of members of this movement are created and there are not many available examples of these works. But this limited number somewhat represents a unique, transformative and influenced atmosphere of the thoughts of members of this movement and their analysis is not possible except through their thinking. Therefore, it can be said that the works formed in this movement have five main and general characteristics in their form and content. All of these features and sometimes a number of them are evident in the pottery works that the main of which is freedom and improvisation in the creation of the work which is seen in almost all the works created in this movement. Paying attention to children's art and primitive art are other features of Cobra pottery artists that has been addressed in many cases. Another common feature of all these works is the unspecified of its artists that lead to the point that these works have made by artists who are not potters and are mainly painters or sculptors, and even poets and writers are among them. Creating group works in the pottery works of artists of this movement is an emerging phenomenon at the time when the works are simultaneously created by several artists. These features can be explored not only in pottery works, but also in other works done by the artists of this movement.
Keywords: Cobra Movement, Cobra Thoughts, Pottery, Twentieth Century Art.